

نقد و بررسی کتاب «رباعیات خیام در منابع کهن» و نویافته‌های خیام پژوهی

• جواد بشری

دانشجوی کارشناسی رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران

خواهم داشت تا خواندگانی که کتاب را ندیده‌اند با روش کار و ویژگی‌های آن آشنا شوند.

پیشینه پژوهش

نمی‌دانیم در زمان خیام آیا مجموعه‌ای از رباعی‌های (به نام) او مرتب شده بود یا خیر اما نخستین دفترهای مدون موجود از رباعیات خیام از قرن ۹ هـ پیش‌تر نیست^۱ که پُر است از رباعیاتی که مدعی جدی دارند و نباید از خیام باشد. با این وضعیت برای ما مهم است بدانیم در کدام منابع و از چه زمانی چه تعداد رباعی خیامی بدست آمده و اصلاً از کی او را بعنوان رباعی‌سرا می‌شناخته‌اند. به گفته آقای میرافضلی «از زمانی که والتین ژوکوفسکی ایران‌شناس روس با انتشار مقاله‌ای در یادنامهٔ بارن ویکتور روزن به سال ۱۸۹۷ کوشید رباعیات خیام را از منابع کهن استخراج کند و آن‌ها را از رباعیات دیگر بپیراید» نخستین تلاش‌ها آغاز شد و تا امروز ادامه داشته است.

یکی از نخستین کسانی که در ایران به مطالعه و تتبع درباره رباعیات خیام پرداخت و در منابع کهن (که برخی از آن‌ها منابع خطی‌ای بود که نخستین بار در این‌گونه بررسی‌ها مطرح می‌شد) اشعار خیام را جست‌وجو کرد مرحوم فروغی بود. دیگر خیام‌پژوهان نیز هر از چندی، برگی بر پرونده مورد بحث می‌افزودند تا کار به روزگار حاضر رسید. آقای میرافضلی فهرست‌وار نام برخی از ایرانیان و غیرایرانیانی را که در این میدان تلاش و پژوهش کرده‌اند، چنین آورده است: «آرتور کریستین سن، فردریخ روزن، کریستین رمپس، محفوظ الحق، سوامی گویندا تیرتها، سعید نفیسی، صادق هدایت، محمدعلی فروغی، عبدالباقی گولپینارلی،



• سیدعلی میرافضلی، رباعیات خیام در منابع کهن، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲ ش، ۳۸۸ صفحه، وزیری، گالینگور.

پیشگفتار

مدتی از پژوهش درخشان سیدعلی میرافضلی درباره رباعیات خیام می‌گذرد. در این مدت با در نظر گرفتن محدوده کار ایشان، جست‌وجوهای پراکنده‌ای انجام دادم و نتایجی حاصل شد. از جمله اینکه چندین رباعی بر شمار منسوبیات کهن سال به نام خیام افزوده شد و جا داشت که در فرصتی معرفی شود. بنابراین به بهانه عرضه آن یافته‌ها، معرفی مختصری از کتاب ایشان هم

آن‌ها نقل شده است که از این میان، ۷ مورد آن کشف و یافته خود مؤلف است (که قبلاً در مقالاتی عرضه شده بود). نتیجه بررسی این ۲۸ منبع ۱۲۰ رباعی غیرمکرر است که با قید شماره، نقل شده است. نخستین مأخذ از این موارد، التنبیه فخر رازی (م ۶۰۶ هـ) و آخرین آن‌ها جنگ اسکندر میرزا تیموری (تدوین در ۸۱۳-۸۱۴ هـ) است هر کدام با یک رباعی به نام خیام.

مؤلف هر یک از این بیست و هشت منبع را در بخش جداگانه قرار داده و پس از معرفی منبع و مؤلفش، زمان مورد توجه قرار گرفتن آن‌ها را در «خیام‌پژوهی» به دست داده است. آن‌گاه رباعیات را بدون دخل و تصرف آشکاری (به غیر از برگرداندن املاهای برخی حروف چون «ب»، «ج»، «گ» و ...) ذکر کرده است. چنان که گذشت، شرط قرار گرفتن منبعی در این بخش، به جز شرط زمان تألیف و کهنگی اثر، اشاره مستقیم به نام «خیام» در آن مأخذ هنگام نقل رباعی است.

بخش دوم، گروه دوم منابع رباعیات خیام:

منظور منابعی است که رباعی یا رباعیاتی بدون عنوان و نام سراینده در خود جای داده که بعدها این رباعی از منسوبات به خیام شمرده (در منابع و مجموعه اشعار مدون رباعیات خیام نسبتاً معتبر) و یا در منابع و گروه اول، به نام خیام ضبط شده است. آقای میرافضلی برای صرفه‌جویی در کار، در بخش نخستین کتاب رباعی‌های بدون نام سراینده‌ای را که به خیام منسوب بود در کنار رباعیات با نام سراینده آورد که از ۲۸ منبع آن بخش، ۱۷ منبع چنین رباعیاتی داشتند (۵۴ رباعی بدون عنوان). در بخش دوم هم ۲۹ مأخذ شناسایی شده که از آن‌ها ۶۲ رباعی این چینی استخراج گردیده (در کل ۱۱۶ رباعی مکرر و به عبارتی ۴۴ رباعی غیرمکرر، از میان ۴۶ منبع) کهن‌ترین مأخذ این بخش سراج السائرین، املاهای شیخ احمد جام (تدوین در ۵۱۳ ق) است و جدیدترین آن مقاصد الاحسان از عبدالقادر حافظ مراغی (نگاشته شده در ۸۲۱ق) نکته جالب درباره مأخذ این بخش این است که ۱۰ فقره از آن‌ها متقدم بر التنبیه فخر رازی (م ۶۰۶ ق) است و دو مورد آن در عصر حیات خیام تألیف شده (سراج السائرین و رساله عینیة از احمد غزالی م ۵۲۰ ق). هم‌چنین یک مورد آن از منابع بین‌الدفتین نیست (کاشی‌ها و سفالینه‌های زرین: سده هفتم ق - صص ۱۷۸-۱۷۵). باید گفت که آقای میرافضلی در این بخش پژوهشی گسترده را در محدوده‌ای وسیع انجام داده که تمام منابع مکتوب تا پیش از نیمه قرن ۹ هـ را (به فارسی یا عربی) در برمی‌گیرد. به گفته خود او «بیشتر منابع این بخش برای نخستین بار است که در حوزة خیام‌پژوهی مورد توجه قرار می‌گیرد». (رباعیات خیام در منابع کهن، ص ۱۲۹)، ولی چنان که خود پذیرفته است «بی‌شک در میان آثار منشور قرن ششم تا نهم هجری، منابع دیگری هم می‌توان یافت که در آنها رباعیات منسوب به خیام بی ذکر نام



تصویر ۱: نسخه تاریخ و صاف به تاریخ ۸۴۴ هجری (کتابت شده از روی نسخه ۷۲۱ هجری)، به شماره ۱۳۰۴۵، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، برگ ۱۴۵ - ب

علی دشتی، جلال همایی، اسماعیل یکانی، محمدمهدی فولادوند، ایرج افشار، محسن فرزانه، محمدعلی موحد، محمدروشن، علیرضا ذکواتی و رحیم رضازاده ملک» (رباعیات خیام در منابع کهن، ص ۶۱) (مشخصات کتاب شناسی بسیاری از آثار نامبردگان را در «کتابنامه» تحقیق آقای میرافضلی خواهید یافت)

معرفی کتاب «رباعیات خیام در منابع کهن»

پس از نام بردن تعدادی از خیام‌پژوهان گذشته و عصر حاضر باید نام آقای میرافضلی را هم بر این کارنامه افزود و پژوهش او را فصل الخطاب تحقیقات یک قرن ایرانیان و خاورشناسان غیرایرانی دانست.

اثر مورد بحث که حاصل پژوهش ده ساله مؤلف آن است، جست‌وجوی رباعیات خیام را از کهن‌ترین منبعی که رباعی‌ای به نام او هست (التنبیه فخر رازی) (م ۶۰۶) آغاز و آن را به منابع ربع اول قرن ۹ هـ ختم کرده است. یکی از امتیازات این کار شاید شیوه عرضه یافته‌های مؤلف است. او کتابش را در پنج بخش اصلی تنظیم کرده است:

- بخش نخست، گروه اول منابع رباعیات خیام: در این بخش ۲۸ منبع که رباعیاتی به نام «خیام» در آن‌ها بوده بررسی و اشعار

شاعر نقل شده باشد». (همان، ص ۱۲۸)

جنگ‌های کهن شعری) بشمار آورد. نمایه کتاب هم از نوع «درهم کرد» است و انواع اعلام و اسامی خاص، نام جای‌ها و نیز نام کتاب‌ها در کنار هم به ترتیب الفبایی چیده شده است.

نقد کتاب

کتاب مورد بحث امتیازات پرشماری دارد. مؤلف در تدوین آن از هرگونه شتابزدگی پرهیز کرده و به گفته خود، این کتاب حاصل پژوهش ده ساله اوست. تقسیم‌بندی آقای میرافضلی در این کار، کاملاً ابتکاری و کارآمد است و با روش خیام‌پژوهان قبلی که بعضاً مواد خام پژوهش را در اختیار می‌نهادند و از داوری نهایی اجتناب می‌ورزیدند و یا اینکه در پالایش رباعیات خیام از منسوبات، کاملاً ذوقی و غیرروشمند عمل می‌کردند، متفاوت است. او خود محدوده این کار را تعیین نموده و هدفی را که این پژوهش به دنبال آن است به دقت ترسیم کرده و الحق بدان دست یافته است. باید منتظر کار بعدی آقای میرافضلی که وعده‌اش را در پیشگفتار کتاب (ص ۶) داده‌اند بود و نظر نهایی ایشان در بررسی درستی یا نادرستی انتسابات به خیام را در آن کتاب جست‌وجو کرد.

از ابتکارات دیگر این کار که تقریباً در این حد وسیع، بی‌سابقه است ارائه تصاویر دست‌نویس‌هایی است که رباعیات موردنظر در آن‌ها ضبط شده (۹۶ تصویر). تعدادی از این تصاویر، پراکنده‌وار در خلال بخش‌های مختلف کار، و بسیاری از آن‌ها به طور یکجا (در بخش پنجم، صص ۲۸۶-۳۵۶) قرار گرفته است. شاید در این مورد، خرده‌ای بر کار مؤلف گرفته شود که چرا تمام تصاویر را در همان بخش پنجم نیاورد و تعدادی را در بین کتاب پراکند؟ بی‌اینکه از نیت ایشان در این باره باخبر و یا قصد جانب‌داری متعصبانه از ایشان را داشته باشم این کار را هم بی‌حکمتی نمی‌دانم. به نظر حداقل فایده این کار، لذت‌بخش ساختن ورق زدن کتاب است که مزین است به تصاویر دست‌نویس‌های کهن‌سال. گاهی دیدن عین نسخه خطی و یا تصویرش، برای اهل آن در حد ملاحظه نگاره‌ها و یا مشق نظر از آثار بزرگ خوشنویسی، لذت‌بخش است.

ویژگی ممتازکننده دیگر کتاب، کم غلط بودن آن است. همین ویژگی سبب می‌شود خواننده به منقولات آقای میرافضلی، حتی در حد جزئیات، اطمینان کند (در کل کتاب تنها چند غلط چاپی غیرمهم یافتیم که در سطور بعد خواهد آمد). چنانکه گذشت کتاب سراسر ابتکار و نوآوری است. اما چون دیگر کارهای بشری از نقص و اشتباه هم خالی نخواهد بود. شاید چند اشتباه چاپی جزئی آن را بتوان از نقائص آن محسوب کرد^۲ (بدون هیچ‌گونه بزرگ‌نمایی که در این گونه مقالات مرسوم است). هم‌چنین از دیگر کمبودهای کار که البته ربطی به مؤلف ندارد، در دسترس نبودن مخازن دست‌نویس‌های دیگر کشورهاست. نسخه‌های

بخش سوم، یادداشت‌ها و توضیحات: ملاحظات مؤلف درباره برخی اشتباهات کتابتی، اختلاف ضبط‌ها، بدخوانی نسخه‌ها و بی‌نقطه بودن واژه‌ها در نسخه‌ها، انتساب رباعی‌ای به دیگران و بیان سرگذشت تعدادی از رباعیات سرگردان در این بخش بررسی شده است که تسلط شگفت مؤلف بر رباعیات فارسی کهن را از این بخش می‌توان استنباط کرد. گفتنی است مؤلف طبق شماره‌ای که در دو بخش پیشین بر رباعی‌ها نهاده بود، این بخش را تنظیم کرده است.

بخش چهارم، فهرست تطبیقی رباعیات: در این بخش با چینه الفبایی ۱۶۴ رباعی غیرمکرر با عنوان و بدون عنوان «خیام» (که در دو بخش نخست استخراج شده بود) و ترتیب دادن جدولی، امکان مقایسه این ۱۶۴ رباعی با ۵ مجموعه کهن یا کهن‌نمای رباعیات خیام (نسخه مجعول کمبریج مورخ ۶۰۴ ق، نسخه مجعولی که اساس چاپ «روژن» قرار گرفت مورخ ۷۲۱ ق، نسخه مخدوش نخجوانی مورخ ۷۹۰ ق، نسخه بادلیان مورخ ۸۶۵ ق و طریخانه یاراحمد رشیدی تبریزی تألیف ۸۶۷ ق) فراهم گشته است. آقای میرافضلی خود گوید: «تحلیل و تطبیق آماری رباعیات این کتاب، کاری است که در شناخت رباعیات اصیل خیام بسیار راهگشا خواهد بود». (همان، ص ۲۴۸) که البته آن را به پژوهش بعدی خود موقوف کرده است. در این جدول تطبیقی مؤلف از امکانات چاپ (استفاده از علائم مختلف قراردادی و نیز پرنرنگی و کم‌رنگی حروف) به خوبی بهره برده و در کمترین حجم بیشترین اطلاعات را عرضه کرده و در واقع این بخش خلاصه تمامی کتاب است.

بخش پنجم، تصویر دست‌نویس‌ها: مؤلف که کتاب خود را عرضه‌کننده مواد خام مطالعات خیام‌پژوهی معرفی می‌کند و قضاوت درباره رباعیات اصیل و ضبط درست هر مورد را به کتابی دیگر واگذارده است (همان، ص ۶) سعی کرده خود را از اشتباهاتی که بعضاً مصححان بدان دچار می‌شوند (اغلاط چاپی و بدخوانی‌های نسخه‌ای) مصون دارد. از این‌رو، از میان ۲۸ منبع بخش نخست، تصاویر دست‌نویس‌های ۲۴ منبع را عرضه کرده و فقط جای ۴ منبع که در دسترس ایشان نبوده در این قسمت خالی است.^۲

شمار این تصاویر به ۹۶ می‌رسد که بیشتر آن‌ها را در بخش پنجم یک‌جا قرار گرفته است. «فهرست تصاویر» نیز در صص ۱۰-۱۲ آمده است.

دو قسمت پایانی کتاب مؤلف، به «کتابنامه» و «نمایه» اختصاص یافته، «کتابنامه» در دو بخش چاپی و خطی و براساس نام مؤلف تنظیم شده و تنها بخش خطی آن را می‌توان به منزله نوعی کتاب‌شناسی منابع شعری متقدم فارسی (از جمله

در عرضه نویافته‌های خیام پژوهی بهره برده‌ام، عین رباعیات را نقل خواهم کرد.

نویافته‌های خیام پژوهی

در این قسمت که خود پنج بخش دارد و به نحوی مکمل کار آقای میرافضلی است به عرضه ۳ منبع تازه در حوزه رباعیات خیام و نیز افزوده‌هایی در مورد دو منبع کتاب ایشان خواهم پرداخت. البته باید بگویم تنها در بخش چهارم (رباعیات «جنگ رباعیات کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی») به جست‌وجوی کامل دست زده‌ام و بقیه بخش‌ها حکم یادداشت‌های پراکنده‌ای را دارد که شاید اگر فرد دقیق‌تری به بررسی منابع مذکور بپردازد تازه‌های بیشتری بیابد.

بیشتر منابع خطی مورد مراجعه نگارنده از خزانه دست‌نویس‌های کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی در قم تهیه شده است. فرصت را غنیمت می‌دانم و پیشاپیش از متولی دانشمند و خبیر کتابخانه، جناب دکتر مرعشی - که امکان استفاده از این مجموعه را برایم مهیا ساختند - سپاسگزاری می‌کنم.

الف - تاریخ و صاف

نسخه‌های خطی کهن این کتاب فراوان نیست. شاید قدیم‌ترین آن‌ها - که احتمالاً دست‌نویس اصل است - نسخه‌ای از مجلد چهارم اثر باشد که در کتابخانه نور عثمانیه ترکیه محفوظ است و پیش‌تر از موقوفات کتابخانه بی‌نظیر «ربع رشیدی» تبریز بوده است.^۴

در نیمه نخستین سال ۱۳۸۲ نسخه‌ای از مجلدات چهارم و پنجم تاریخ و صاف به گنجینه دست‌نویس‌های کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی افزوده شد. این دست‌نویس به سال ۸۴۴ هـ و در سبزواری روی نسخه مورخ ۷۱۲ هـ کتابت شده و از این نظر ممتاز است.^۵

رباعی‌ای از خیام که آقای میرافضلی به نقل از جلد چهارم تاریخ و صاف در کتابش آورده (ص ۶۴ شماره ۸۱) در نسخه مورد بحث نیست و به جای آن این رباعی مشهور خیام آمده است:

دارنده چو ترکیب طبایع آراست

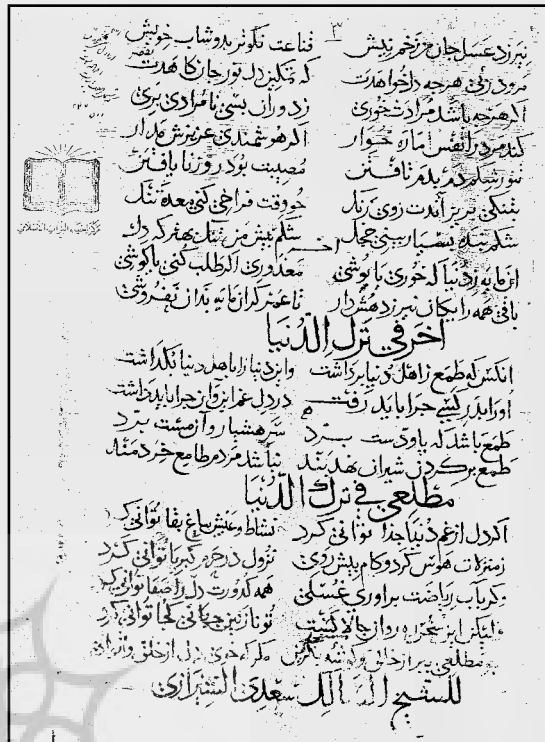
باز از چه فکندش این چنین در کم و کاست

گر خوب نیامد این بنا عیب کراست

ور خوب آمد خرابی از بهر چراست

(برگ ۱۴۵ - ب. رک. تصویر شماره ۱)

هم‌چنین درباره رباعی شماره ۸۲ (رباعیات خیام در منابع کهن، ص ۶۴)، باید گفت این رباعی که در نسخه‌های معتبر تاریخ و صاف محفوظ در کتابخانه ملک بدون نام سراینده آمده است در نسخه مرعشی (برگ ۱۵ - الف) هم بدون نام سراینده

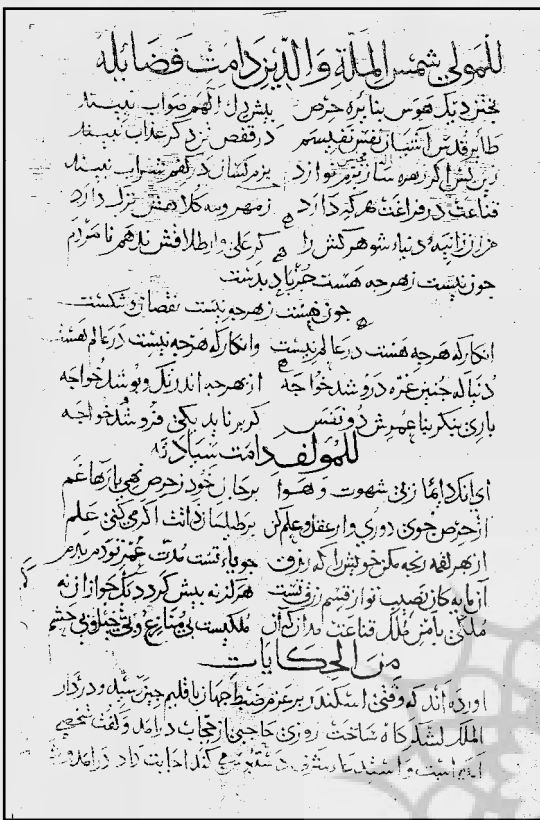


تصویر ۲: انیس الوحدة و مجلس الخلو، نسخه کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی، به شماره ۸۰۸، صفحه ۳.

خطی عالم اسلام در سطح گسترده‌ای از جهان پراکنده است و بی‌شک با بررسی آن‌ها، پرونده خیام‌پژوهی پربرگ‌تر می‌شود. (چنان که با جست‌وجویی غیراستقصایی در کتب خطی تنها یک شهر (قم)، چندین مورد از رباعیات منسوب به خیام برای نخستین بار کشف شد.)

اما چند اشتباه چاپی کتاب:

- ص ۱۶، س ۱۹: «کریستین سن» درست است.
- ص ۴۷، س ۵: به جای «ص ۱۹۰-۱۴۷»، «ص ۱۴۷-۹۰» باید باشد.
- ص ۶۵، پاورقی شماره ۳: «ص ۵۷۲» دارد نادرست و «ص ۵۷۳» درست است.
- ص ۸۸، س ۹: «فهرست میکروفیلم‌ها، ج ۱» نادرست و «ج ۲» درست است.
- ص ۱۰۳، پاورقی شماره ۴: حرف «ن» از «دست‌نویس» افتاده است.
- ص ۱۲۱، س ۸: واژه «او» از این جمله افتاده است: «از [او] چند اثر تاریخی و ادبی به نظم و نثر موجود است».
- ص ۱۶۳، س ۱۳: «۱۳۸۳۲» نادرست است و «۱۳۸۲» درست است.
- در بخش بعدی با ذکر مشخصات منابع تازه‌ای که از آن‌ها



المولى شمس الملة والذير كرامت فضائله

مختار دینک هوس بنا بره جزص بشر اول الم صواب نیستند
طایفه قدرش بسیار نفیسند در قفس نزد کعبه نیستند
بر کفش اگر رهسواران تو از بر کفشان در کعبه سواب نیستند
قناعت در فراغت هر که در آن روز مهر و صد کلاهش نزل دارد
جز زانیه دنیا شوهر گمش را هر کس علی و اطفالش را هم ناکردم
جز نیست از هر چه هست جز یاد بدست

چون نیست از هر چه هست نضای نکتت
انکار هر چه هست در عالم نیست و انکار هر چه نیست در عالم هست
دنیای جنبه غره در شدن حاجه از هر چه اندر نکل و پوشا حاجه
باری بگر بنا هر شرف و نسیس کبریا بدیکی فرد شدن حاجه

المولى دامت سبلاته
اگر از اینها زین شهوت و هوا بر جان خود زحمت نهمی با غم
آن جز صحتی دوری و استغناء علم بر طبع آن است آدمی کنی علم
از هر لطفی که کنی خیرش که روزی جوایز نیست مدت عمر تو در دهر
از نایب کار صیبت تو از قلم زلفت هرگز نه بیشتر کردی تا جز آن
مکن با منر ملک قناعت در آن ملکست به منافع و خیر خلقی چشم
من الحکایات

آورده اند که در قفس است که در بر سر من صراطها با نام چینی شده و در کنار
الملک لشکرگاه ساخت روزی حاجی از حجاب درآمد و گفت آنچه
آید امین است شنیدم که در قفس است که در حجاب است داد زانها

تصویر ۳: انیس الوحده و جلیس الخلوۃ همان نسخه، صفحه ۵

«شعر»

تا هشیارم در طربم نقصانست
چون مست شوم در ۱۱ خردم تاوانست
حالیست میان مستی و هشیاری
من بنده آن کی ۱۲ زندگانی آنست»

ج- مجموعه شماره ۱۲۶۲۱ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی
این نسخه در یکی از تازه ترین فهرست های کتابخانه آیت الله
العظمی مرعشی معرفی شده است؛ مجموعه ای است شامل بیش
از ده رساله و قطعه مجزا و نیز مقدار قابل توجهی مطالب به ظاهر
پراکنده. این نسخه در بغداد کتابت شده، چندین جای آن تاریخ
دارد^{۱۳} و در صفحات بسیاری بین رسالات، اشعار فارسی و ...
دیده می شود.

در اولین مراجعه به این دست نویس، یک رباعی بدون نام
سراینده و بدون هیچ عنوانی (در برگ ۴۹ - ب) توجهم را جلب
کرد. این رباعی، که جزء اشعار منسوب به خیام است، در زیر نقل
می شود:

«تا کی غم آن خورم که دارم یا نه
وین عمر بخوش دلی گذارم یا نه
در ده قدح باده که معلوم نیست

است و گویا مأخذ قول مرحوم سعید نفیسی (که نسخه ای بوده
متعلق به خود او) در انتساب رباعی مورد بحث به خیام چندان
شایسته اعتماد نباشد.

ب - انیس الوحده و جلیس الخلوۃ

کهن ترین نسخه این کتاب که، بنا بر نوشته استاد ایرج
افشار، نسخه پریشان ولی کهن مرحوم سعید نفیسی است، امروز
در کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی در قم به شماره ۸۰۸
نگهداری می شود.^{۱۴} افزون بر این، نسخه ای کهن از این کتاب
که به جز یکی دو برگ از انتها، هیچ افتادگی و نقصی ندارد و
از نظر تاریخ کتابت نیز، هم عصر نسخه سعید نفیسی (نسخه
مرکز احیاء) است به شماره ۱۲۰۳۹ در کتابخانه آیت الله العظمی
مرعشی محفوظ است.^{۱۵}

با بررسی نه چندان دقیق انیس الوحده بر پایه این دو نسخه
کهن سال (که از نظر تاریخ استنساخ نیز در خور توجه هستند)
رباعیات دیگری را که در شمار رباعیات منسوب به خیام اند و
در کار آقای میرافضلی جای آنها خالی است می آورم.

رباعی «سر دفتر عالم معانی عشق است» (میرافضلی،
ص ۱۰۲، شماره ۱۵۳): این رباعی در نسخه ۸۰۸ مرکز احیاء
وجود ندارد (جزو افتادگی های دست نویس است). ولی در نسخه
۱۲۰۳۹ مرعشی، برگ ۱۸۳ - الف با عنوان «عمر خیام» آمده
است (بدون هیچ تفاوتی با ضبط آقای میرافضلی).^{۱۶}

- در باب هشتم از انیس الوحده، نسخه مرکز احیاء صفحه ۳
این رباعی هم بدون نام سراینده آمده است:

«آخر این مایه ز دنیا که خوری یا پوشی

معذوری اگر طلب کنی یا کوشی

باقی همه رایگان نبردش دار

تا عمر گران مایه بدان نفروشی»

(تصویر شماره ۲، این رباعی را در نسخه مرعشی نیافتیم.)
- در همان باب هشتم از انیس الوحده (برگ ۷۵ - ب نسخه
مرعشی و نیز صفحه ۵ نسخه مرکز احیاء) این رباعی بدون نام
سراینده آمده است:

«لغیره»

چون نیست ز هر چه هست جز باد بدست

چون هست ز هر چه نیست نقصان و شکست

انگار که / کی هر چه هست در عالم نیست

و انگار که / کی هر چه نیست در عالم هست»

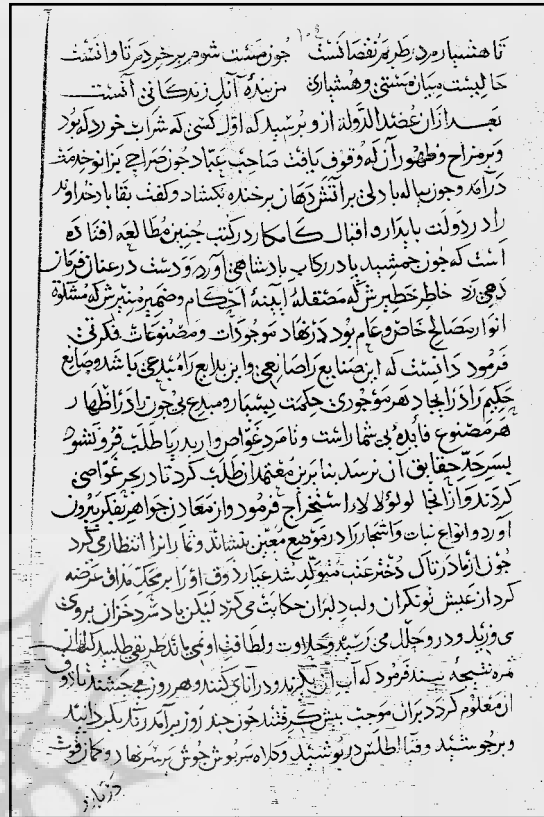
- در پایان باب هجدهم انیس الوحده (برگ ۲۶۳ - ب
نسخه مرعشی و نیز صفحه ۱۰۴ نسخه مرکز احیاء) و در میان
حکایتی از صاحب بن عباد و عضدالدوله، این رباعی بدون نام
سراینده نقل شده است:

تاریخ استنساخ آن جدیدتر از نیمه قرن هشتم هجری نمی‌تواند بود (اوراقی که عکس آن‌ها ضمیمه این نوشته است، اهل فن را به تأیید این نظر صائب دلالت می‌کند). این دست‌نویس از سه بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول و دوم آن به ترتیب «اختیارات گلستان» و «فوائد الحقائق» (شامل اشعار گلستان سعدی و حدایق السحر رشید وطواط) است که در ترتیب اوراق آن پراکندگی و تشویش شدیدی دیده می‌شود. اما بخش سوم را که بیشترین حجم نسخه را گرفته، فهرست‌نگاران کتابخانه «سفینه رباعی = جنگ رباعیات» نام داده‌اند.

دست‌نویس مزبور روی کاغذ ضخیم شرقی کتابت شده، مشتمل بر ۲۵۴ برگ است و با این حجم کلان، قطع عجیبی دارد (۱۵*۵ سانتی‌متر)، خط آن نسخ قدیم است، عنوان‌ها با مرکب قرمز (شنکرف) و متن با مرکب مشکی است.^{۱۸} این جنگ ۱۲۵۹ رباعی دارد (با احتساب رباعیات مکرر) که از این تعداد ۸۷۳ مورد با نام سراینده و ۳۸۶ مورد بدون نام است و در بیش از ۱۲۰ بخش عنوان‌دار دسته‌بندی شده است. شعرای این جنگ رباعیات اکثراً اهل اران و آذربایجان و شهرهای شمال غربی ایران می‌باشند که فهرستی ابتدایی از آن‌ها در فهرست کتابخانه مرعشی آمده است. متأسفانه این جنگ در ضبط نام شعرا بسیار سست و غیر قابل اطمینان است و آنچه آقای میرافضلی درباره خطاهای کتابتی نزهة المجالس گفته است در حق این مجموعه در سطحی وسیع‌تر قابل بررسی است. در این مجموعه، بیش از همه از شمس گنجه (شاعری مطرح در قرن هفتم که دیوانش باقی نمانده و شاید به احتمالی که آقای میرافضلی مطرح کرده همانی باشد که ذکرش در مسامرة الاخبار و مسامرة الاخیار آمده است^{۱۹}) شعر هست که البته بسیاری از آن‌ها از او نیست و از بزرگان رباعی سرای هم عصر و متقدم اوست که کاتب این مجموعه به سهو به او نسبت داده است.^{۲۰}

با این همه، دو شاعر را در این مجموعه باید استثنا کرد: یکی اوحدالدین کرمانی که ۱۰۷ رباعی او را به صورت یکجا و پشت سر هم در اوراق ۹۳ - ب تا ۱۰۷ - ب می‌بینیم؛ دیگری خیام که ۴۱ رباعی او پشت سر هم در اوراق ۱۰۷ - ب تا ۱۱۲ - ب و نیز ۳ رباعی او در برگ ۸۲ - الف آمده است. این توالی اشعار در این مقیاس وسیع (که درباره هیچ شاعر دیگری در این مجموعه به این شکل سابقه ندارد) ما را ملزم به پذیرش استناد این اشعار به خیام می‌کند و حداقل این اطمینان را می‌دهد که در این موارد خطاهای کاتب به نسخه راه نیافته و نقش سرنوشت‌سازی در انتساب این اشعار به حکیم شاعرمان ایفا نخواهد کرد.

از میان منابع مورد استفاده در رباعیات خیام در منابع کهن بیشترین تعداد رباعی با قید نام خیام، در مجموعه اشعار کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه (به شماره ۴۸۷ ر) است با ۳۳ رباعی (به اضافه ۲ رباعی بدون نام سراینده که جزو منسوبات به اوست)^{۲۱} و



تصویر ۴: ابس الوحده و مجلس الخلو، همان نسخه، صفحه ۱۰۴.

کین دم که فرو برم برآرم یا نه»

د- جنگ رباعیات شماره ۱۲۵۹۸ کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی

مرعشی

تاکنون چهار مجموعه مدون و فصل‌بندی شده از رباعیات کهن شناسایی شده است. یکی «نزهة المجالس» جمال خلیل شروانی؛ دیگری «خلاصة الاشعار فی الرباعیات» فراهم آورده ابوالمجد محمد تبریزی (موجود در سفینه تبریز)؛ سوم «مجمع الرباعیات» که هر چند به طور کامل باقی نمانده اما گزیده‌ای از آن به همراه فهرست ابوابش در نسخه‌ای به شماره ۲۳۸ حالت افندی در کتابخانه سلیمانیه موجود است^{۱۴} و چهارمین مجموعه، بخش پایانی دست‌نویس شماره ۲۰۵۱ کتابخانه ایاصوفیا است که در آن حدود ۷۰۰ رباعی در چندین باب و فصل و صنف درج شده است.^{۱۵} از این میان مهم‌ترین اثر بی‌شک نزهة المجالس است که اشتباهاتی در کار کتابت نسخه منحصر آن روی داده که آقای میرافضلی در مقاله‌ای جداگانه به آن پرداخته است.^{۱۶} به ویژه پس از یافته شدن «خلاصة الاشعار فی الرباعیات»، اشکالات کتابتی کاتب نزهة المجالس بیشتر معلوم شد.^{۱۷}

به تازگی دست‌نویسی بسیار نفیس نصیب کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی شده که تاریخ کتابت آن بر اثر افتادگی اوراقی از نسخه موجود نیست، هر چند دکتر مرعشی معتقد است که

(۱۰۵-ب)

(کمبریج، ص ۷۸؛ نخجوانی ۲۵۴؛ روزن، ۱۱۵؛ طربخانه، ۱۱۸).

۲. اوحدالدین کرمانی:

در دایره سپهر ناپیدا غور

جامیست که جمله را چشاند بدور

نوبت چو بتو رسد تو رو ترس مکن

می‌نوش بخوش دلی که دورست نه جور

(۱۰۵-ب)

(طربخانه، ۲۷۵)

۳. شرف شَفروه:

لعیست می‌سوری و ساغر کانست

چشمیست پیاله و شرابش جانست

وان جام بلورین که بمی خندانست

اشکیست که خون دل درو پنهانست

(۱۱۵-ب)

(کمبریج، ص ۴۰؛ نخجوانی، ۱۲۱؛ روزن، ۶۵؛ طربخانه،

(۲۳۱)

۴. کمال اسماعیل:

آن باده خوشگوار در دستم نه

و آن ساغر چون نگار در دستم نه

زان می که چو زنجیر بیچد بر خود

دیوانه شدم بیار بر دستم نه

(۱۱۵-ب)

(نخجوانی، ۴۷۶؛ طربخانه، ۳۹۲)

۵. ابوالعلا:

هنگام صبح ای صنم فرخ پی

برساز ترانه و پیش‌آور می

کافکند بخاک در هزاران جم و کی

این آمدن تیرمه و رفتن دی

(۱۲۰-الف)

(کمبریج، ص ۵۳؛ نخجوانی، ۵۹۱؛ روزن، ۳۲۸؛ طربخانه، ۲۰۵)

۶. مبارکشاه:

تا دست باتفاق بر هم نزنیم

ما پاء مراد بر سر غم نزنیم

خیزیم دمی نزنیم پیش از دم صبح

کین صبح بسی دمد که ما دم نزنیم

(۱۲۰-ب)

(کمبریج، ص ۷۰؛ روزن ۲۱۵؛ طربخانه، ۶۱)

پس از آن زهه المجالس قرار می‌گیرد با ۳۱ رباعی غیر مکرر به نام خیام (و ۶ فقره رباعی منسوب به خیام که عنوان ندارد).

دست‌نویس شماره ۱۲۵۹۸ مرعشی، این آمار را برهم می‌زند و در صدر جدول پر رباعی‌ترین مجموعه شعری (از نظر تعداد رباعیات خیام) قرار می‌گیرد. در این مجموعه ۴۴ رباعی صراحتاً به نام خیام ضبط شده که ۴۱ مورد از این‌ها را در بخشی جداگانه با عنوان «در مذمت فلک و غیر آن از گفتار عمر خیام» می‌یابیم. در ضمن ۷ رباعی بدون نام سراینده نیز (با عناوین «غیره» و «غیره») در این مجموعه دیده می‌شود که به خیام منسوب است (برای اطلاع از منابعی که در آن‌ها این رباعیات به خیام نسبت داده شده است، رک. جدول تطبیقی پایان این مقاله).

در عرضه این ۵۱ رباعی که برخی از آن‌ها در هیچ منبع دیگری به نام خیام ثبت نشده^{۳۳} دقیقاً پیرو روش آقای میرافضلی در کتابشان هستیم. صورت دقیق رباعی را از نسخه نقل می‌کنم و حتی الامکان تغییری در ساختار املائی آن نمی‌دهم (به جز این موارد: ۱. حروف «چ» و «پ» اگر با یک نقطه بود با سه نقطه نوشته شد. ۲. حرف «گ» که بدون سرکش بود با سرکش نوشته شد. ۳. در مواردی که کلماتی، بدون نقطه یا کم نقطه کتابت شده بود براساس نزدیک‌ترین قرائت به ذهن، نقطه‌گذاری شد. ۴. «د»های بعد از مصوت را که به شکل «ذ» کتابت شده بود، علی‌رغم میل باطنی، «د» نگاشتیم و البته صورت اصیل آن را در اوراق عکس نسخه خواهید یافت. ۵. در برخی موارد، از علائم «~»، «»، «!» و «؟» به ندرت استفاده شد).

در بخش آخر این سیاهه، عکس صفحاتی از نسخه را که شامل رباعیات متقن خیام بود آوردم تا حق امانتداری گذارده شود. هم‌چنین، همانند پژوهش آقای میرافضلی و به تبع ایشان جدولی تطبیقی ترتیب دادم که در آن آدرس ۵۱ رباعی مورد بحث را در ۵ نسخه از رباعیات خیام (همان‌هایی که مورد استفاده آقای میرافضلی بوده است) ذکر نمودم و البته چنانکه گذشت، ۱۷ مورد از این ۵۱ مورد در هیچ یک از این ۵ نسخه وجود نداشت.^{۳۳} در پایان و پیش از پرداختن به بحث اصلی (۵۱ رباعی خیام) متذکر می‌شوم که ۱۱ مورد از رباعیاتی که در مجموعه‌های خیامی به نام حکیم نیشابور ثبت شده، در این جنگ رباعیات به سرایندگان دیگری منسوب گشته است. با یادآوری این مطلب که این جنگ رباعیات در مورد نام سرایندگان رباعی‌ها جایگاه مطمئن و قابل تکیه‌ای ندارد ابتدا به ذکر این ۱۱ فقره و سپس به بررسی آن ۵۱ مورد می‌پردازم:

۱. اوحدالدین کرمانی:

گر عالم را ز بهر تو آرایند

مگرای بدو که زیرکان نگرایند

بسیار چو تو روند و بسیار آیند

برای نصیب خویش کت برآیند

۱۰. شمس بطا:

شادی مطلب چو حاصل دهر غمیست
هر ذره ز خاک کیقبادی و جمیست
اسباب مراد وصل این عمر که هست
خوابی و خیالی و فریبی و دمیست
(۲۳۲ - ب)
(کمبریج، ص ۱۸؛ روزن، ۵۵؛ طریخانه، ۱۴۲)

۱۱. محمد درویش:

گر بر ره شهوت و هوا خواهی رفت
کردم خبرت که بی‌نوا خواهی رفت
بنگر که کیی و از کجا آمده
هشدار چه می‌کنی کجا خواهی رفت
(۲۳۳ - الف)

(روزن، ۵۸؛ طریخانه، ۹۶)

- رباعیات خیام در جنگ ۱۲۵۹۸ مرعشی:

در توحید باری سبحانه از گفتار ملک الحکما عمر خیام

[۱]

دلها همه آب گشت و جانها همه خون

تا چیست حقیقت از پس پرده چون

ای با علمت خرد ز دو گردون دون

از تو دو جهان پر و تو از هر دو برون

[۲]

ای باقی محض با فنایی که نه

بر جای نه و کدام جایی که نه

ای ذات تو از جاء و جهت مستغنی

آخر تو کجایی و کجایی که نه

[۳]

ای عفو تو بخشیده گناهی چو منی

وی لطف تو باز داده راه چو منی

هستم بیقین که رحمت شامل تو

موقوف نگردهد بگناهی چو منی^{۲۵}

در مذمت فلک و غیر آن از گفتار عمر خیام

[۴]

از آمدنم نبود گردون را سود

وز رفتن من جاه و جلالش نفزود

وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود

کاوردن و بردن من از بهر چه بود

وله

[۵]

دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست

باز از چه قبل فکندش اندر کم و کاست



تصویر ۵: جنگ رباعیات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، به شماره ۱۲۵۹۸، تاریخ کتابت سده ۸ هجری، برگ ۸۲ - الف.

۷. مهستی:

بیمارم و تب در امتحانم دارد

نادیدن تو قصد بجانم دارد

وین طرفه نگر که هر چه در بیماری

بیرون ز غمت خورم زیانم دارد^{۲۴}

(۲۲۱ - ب)

(کمبریج، ص ۲۳)

۸. رفیع:

بیوسته غمان بود و نابودی خوری

وز مایده جهان همی دود خوری

از مایه نخواهی که جوی کم گرد

مایه که خورد چون تو همه سود خوری

(۲۲۵ - ب)

(بادلیان، ۱۴۴؛ نخجوانی، ۵۲۳؛ طریخانه، ۴۸۷)

۹. شمس گنجه:

از حادثه جهان زاینده مترس

از هر چه رسد چو نیست پاینده مترس

این یک دم نقد را غنیمت می‌دار

از رفته میندیش و ز آینده مترس

(۲۲۶ - الف)

(کمبریج، ص ۲۰؛ نخجوانی، ۳۴۹؛ روزن، ۱۸۰؛ طریخانه، ۱۲۷)

- گر نیک نیامد این صور عیب کراست
ور نیک آمد خرابی از بهر چراست
- وله
[۶]
- حکمی که ازو محال نبود پرهیز
فرموده و امر کرده کز وی بگریز
- وله
[۱۳]
- چون نیست مقام ما درین دهر مقیم
بس بی می و معشوق خطایبست عظیم
- وله
[۱۴]
- درمانده جهانیان که کز دار و مریز^{۲۶}
برطرف چمن خیمه منقش زده گیر
- وله
[۷]
- چون رفت ز تن روان پاک من تو
خشتی دو نهند در مگاک من تو
- وله
[۱۵]
- و آنکه ز برای خشت گور دگران
در کالبدی کشند خاک من تو
- وله
[۸]
- درجستن جام جم جهان پیمودم
وز جستن جام جم شیبی نغنودم
- وله
[۱۶]
- ز استاد چو شرح جام جم بشنودم
آن جام جهان نمای جم من بودم
- وله
[۹]
- قومی متحیرند در کوی یقین
قومی بگمان فزاده اندر ره دین
- وله
[۱۷]
- ز آن می ترسم بانگ برآید روزی
کای بی خبران راه نه آنست نه این
- وله
[۱۰]
- شد روز فرود یک غرض بر نامد
شد عمر برون و آرزو در نامد
- وله
[۱۸]
- دردا که بغریبیل حیل عالم را
سرسر کردیم و هیچ بر سر نامد^{۲۷}
- وله
[۱۱]
- در پرده اسرار کسی را ره نیست
در تعبیه حال کسی آگه نیست
- وله
[۱۹]
- جز در دل خاک تیره منزلگه نیست
می خور که چنین بیهده^{۲۸}ها کوتاه نیست
- وله
[۱۲]
- از آتش و آب و باد و خاکیم همه
وز هستی خویش در هلاکیم همه
- وله
[۱۳]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۱۴]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۱۵]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۱۶]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۱۷]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۱۸]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۱۹]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۰]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۱]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۲]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۳]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۴]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۵]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۶]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۷]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۸]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۲۹]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۰]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۱]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۲]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۳]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۴]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۵]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۶]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۷]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۸]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۳۹]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۰]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۱]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۲]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۳]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۴]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۵]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۶]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۷]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۸]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۴۹]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه
- وله
[۵۰]
- تا تن با ماست در مگاکیم همه
چون تن برود روان پاکیم همه

- وله
[۲۰]
در شش جهت انک گرد ما گسترده
بس گرسنه‌اند و عالمی را خوردند
در پنج حواس و چار طبع آوردند
این هفت که در دوازده می‌گردند
- وله
[۲۱]
پیش از من و تو لیل و نهار بودست
وین دور فلک برای کاری بودست
پایی که تو بر خاک نهی نرمک نه
کان چهره زیبا نگاری بودست
- وله
[۲۲]
در هر دشتی که لاله‌زاری بودست
هر شاخ بنفشه کز زمین سر برزد
آن لاله ز خون شهریاری بودست
خالیست که بر روی نگاری بودست^{۲۰}
- وله
[۲۳]
این چرخ چو آسیا ترا سوده نشد
چندانک زمانه دانه پیمود درو
آسوده نگشت و آسیا سوده نشد
او سیر نگشت و دانه پیموده نشد
- وله
[۲۴]
چون قاعده وجود ما بنهاندند
چون کار مرا قرار بی من دارد
در مشورت پیام نفرستادند
دانم که مراد من درو نهاندند
- وله
[۲۵]
دنیا بمثل چو کهنه زالیست درشت
مانند گربه ایست بر بچه خویش
از پیر کهن چرا وفا باید جست
پرورد و بخورد و روی مالید بشت^{۲۱}
- وله
[۲۶]
زین بحر وجود آمده پیدا و نهفت
هر کس سخنی ز روی سودا گفتست
سوز دل آتشکده از سینه ماست
زان روی که هست کس نمی‌یارد گفت^{۲۲}
- وله
[۲۷]
چون نیستی آگاه که چون آمده
سودت نکند فزون که دون آمده
در آتش روزگار کی پخته شوی
کز دیگ فلک خام بیرون آمده؟
- وله
[۲۸]
ای دل ز پی جهان که گفتت خون شو
یا ساکن عشوه خانه گردون شو
چون دانستی که نیستت جای قرار
انگار که در نیامدی؛ بیرون شو
- وله
[۲۹]
از آمد[ه]ها ترش مکن چهره خویش
وز نامد[ه]ها آب مکن زهره خویش
بستان تو ز چرخ بی‌وفا بهره خویش
زان پیش که دهر بر کشد دهره خویش
- وله
[۳۰]
کس مشکل اسرار فلک را نگشاد
چون درنگری ز مبتدی و استاد
کس یکقدم از نهاد بیرون نهاد
عجزیست بدست هر که از مادر زاد^{۲۳}
- وله
[۳۱]
دیری که درو بپای آمد شد ماست
او را نه بدایت نه نهایت پیداست
کس می‌نزند دمی درین معنی راست
کین آمدن از کجا و رفتن بکجاست
- وله
[۳۲]
بر من قلم رضا چو بی من رانند
پس نیک و بدم ز من چرا می‌دانند؟
دی بی من و امروز ز من بی من تو
فردا بچه حجت بداور خوانند
- وله
[۳۳]
سوز دل آتشکده از سینه ماست
عالم کهن از وجود دیرینه ماست
و آنک بمثل کوزه که می‌آب خوریم
از خاک برادران دیرینه ماست

- وله [۳۴] اسرار فلک را نه تو دانی و نه من
سر دفتر راحت نه تو دانی و نه من
این مایه یقین دان که چو می در نگری
یک هفته دیگر نه تو مانی و نه من^{۳۴}
- وله [۳۵] تا چند ز جان مستمند اندیشی
تا کی ز جهان مستمند اندیشی
آنچ از تو توان ستد همین کالبدست
یک مزبله گو مباحث چند اندیشی^{۳۵}
- وله [۳۶] آن قصر که بهرام درو جای گرفت
رو به بچه کرد و آهو آرام گرفت
تا جاء گرفته است بهرام بگور
دیرست که گور جاء بهرام گرفت
- وله [۳۷] این کهنه سرایی که جهانش نامست
آرامگه ابلق صبح و شامست
جامیست که وامانده صد جمشیدست
بزمیست که گور گاه صد بهرامست
- وله [۳۸] این فرش زمین که سقف او گردونست
شرحش نتوان داد که حالش چونست
کم کن تو حدیث آسیایی کو را
مردم همه گندمند و آبش خونست^{۳۶}
- وله [۳۹] ای خواجه بدان کین فلک بیهده رو
همچون من و تو نیست همی کهنه و نو
آغاز و سرانجام جهان را چه کنی
از عمر نصیب خویش برگیر و برو
- وله [۴۰] ای چرخ فلک بجز شر و شور نه
با مردم آزاده بجز زور نه
باری بشناس مردم از نامردم
گیرم که کبودی فلکا گورنه
- وله [۴۱] ای چرخ بجز تربیت دون نکنی
جز ناکس را بمال قارون نکنی
نانی نخورد ز دست تو پر هنری
تا خون دلش ز دیده بیرون نکنی
- وله [۴۲] چرخا! فلکا! نه عقل داری نه بصر
هرگز نکنی بحال آزاده نظر
نامردان را بر آسمان بردی سر
احسنت زهی چرخ مخنت پرور^{۳۷}
- وله [۴۳] تشریف ده ای مرهم خون دل ما
کآسان بتو می شود همه مشکل ما
تا کوزه می بخدمت نوش کنیم
چون هست یقین که کوزه گردد گل ما
- وله [۴۴] مرغی دیدم نشسته در مشهد طوس
در پیش گرفته کله کیکاوس
می گفت بدان کله بافسوس افسوس
کو تاج مرصع تو و آن ناله کوس^{۳۸}
- غیره [۴۵] مگذار که غصه در کنارت گیرد
سودای محال روز گارت گیرد
بدون نام سراینده (با عناوین «غیره» و «لغیره») آمده و در منابع
اشعار خیام، به نام او ضبط شده است.
- غیره [۴۶] بخرام دمی بسبزه گاه و لب جوی
کین چرخ فلک بسی بتان مه روی
صد بار پیاله و صد بار سبوی
- غیره [۴۷] تا کی غم آن خورم که دارم یا نه
وین عمر بخوش دلی گذارم یا نه

مجموعه ۱۲۵۹۸ کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی (ره)

(برای کتابشناسی ۵ مجموعه رباعیات خیام مورد استفاده رک: یادداشت ۲۳)

شماره رباعی	کمبریج	نخجوانی	روزن	بادلیان	طریخانه
۱	-	-	۲۴۵	-	۱۴
۲	-	۴۸۰	-	-	۴۷۸
۳	-	-	-	-	-
۴	ص ۱۴	۱۷۳	۱۲۵	۵۱	۳۸
۵	ص ۷۱	۷۴	۴۰	-	ص ۱۴۱
۶	-	۳۳۹	۱۷۳	-	۳۱۰
۷	ص ۶۱	-	۲۶۰	-	۹۸
۸	-	-	-	-	-
۹	-	۴۶۵	۲۵۰	-	۴۱
۱۰	-	-	-	-	-
۱۱	ص ۴۳	۷۷	۴۲	۲۹	۸۱
۱۲	-	۴۷۷	-	-	-
۱۳	ص ۵۷	-	۲۱۹	۱۱۲	۱۸۱
۱۴	-	-	-	-	-
۱۵	-	-	-	-	-
۱۶	-	-	-	-	-
۱۷	-	-	۳۷	-	۸۴
۱۸	-	-	-	-	-
۱۹	ص ۴۶	۳۳۱	۱۶۷	-	۱۱۹
۲۰	-	-	-	-	-
۲۱	ص ۶۷	۵۱	۲۸	-	۷۶
۲۲	ص ۹۲	-	۴۸	۴۳	۴۳۹
۲۳	-	۱۸۸	-	-	-
۲۴	-	-	-	-	-
۲۵	-	-	-	-	-
۲۶	-	-	-	-	۱۶۲
۲۷	-	-	-	-	-
۲۸	-	-	-	-	-
۲۹	-	-	۱۸۲	-	۱۵۸
۳۰	-	۲۶۳	-	۷۲	۵۵۰
۳۱	ص ۵۴	-	۵۰	-	۳۱
۳۲	-	۱۹۹	-	-	۱۷۳
۳۳	-	-	-	-	-
۳۴	ص ۱۸	-	۲۴۰	-	۳۰
۳۵	-	-	-	-	-
۳۶	-	۱۵	۱۳	-	۱۵۱
۳۷	ص ۱۷	-	۲۱	-	۵۸
۳۸	-	-	-	-	-
۳۹	-	-	-	-	-
۴۰	-	-	-	-	-
۴۱	-	-	-	-	-
۴۲	-	-	-	-	-
۴۳	-	-	-	-	۱۹۱
۴۴	ص ۶۵	-	۱۸۱	-	۶۲
۴۵	-	۲۸۰	-	۷۶	۲۲۸
۴۶	ص ۳۷	۵۱۰	۲۶۳	۱۴۷	۲۶۶
۴۷	ص ۹۱	۴۸۸	۲۷۲	۱۳۶	۱۹۲
۴۸	ص ۳۰	۴۱۰	-	-	۳۱۳
۴۹	ص ۱۹	۵۲۰	۲۸۷	-	۳۷۴
۵۰	-	۲۱۶	-	-	۴۸
۵۱	ص ۸۳	۲۵۰	۱۲۷	-	۳۶۴

بر کن قدحی باده که معلوم نیست

کین دم که فرو برم برآرم یا نه

لغیره

[۴۸]

ز آن پیش که از زمانه تابی بخوریم

با یکدگر ای دوست شرابی بخوریم

کین چرخ فلک بگناه رفتن ما را

چندان ندهد امان که آبی بخوریم^{۴۰}

غیره

[۴۹]

از دفتر عمر بر گرفتیم فالی

بر خواند ز سوز سینه صاحب حالی

خرم تن آنکسی که در خانه او

یاریست چو ماهی و شبی چون سالی^{۴۱}

لغیره

[۵۰]

چون کار نه بر مراد ما خواهد بود

اندیشه و جهل ما کجا دارد سود

پیوسته نشستیم در حسرت آنک

دیر آمده‌ایم و رفت می‌باید زود^{۴۲}

لغیره

[۵۱]

تا مرد براه عشق درخور نشود

هرگز شبیه مراد او در نشود

بر می‌نشود کاسه سرها ز هوس

هر کاسه که سرنگون بود پر نشود^{۴۳}

هـ - مجموعه شماره ۱۲۸۶۸ کتابخانه بزرگ آیت الله

العظمی مرعشی (ره)

در بیان نفاست این مجموعه زبان به کام گره می‌خورد. مجموعه

رساله‌هایی است به خط علامه قطب الدین محمود بن مسعود

شیرازی، دانشمند بزرگ ایرانی سده ۷ هـ. که به سال ۶۸۵ هـ.

در قونیه کتابت کرده است. مشخصات ظاهری این دست‌نویس

را در فهرست کتابخانه، جلد ۳۲ خواهید یافت.^{۴۴} آنچه بیش از

همه فاکتورهای برجسته کننده یک نسخه، مرا در مواجهه با

این گنج نهان به شگفتی آورد این است که دست‌نویس مورد

بحث زمانی در «کتابخانه رشیدی» و وقف آنجا بوده است و

مهر «وقف کتابخانه رشیدی» را در ۴ موضع از این دست‌نویس

یافتیم (که البته به طرز ناجوانمردانه‌ای آن‌ها را محو کرده بودند و

عجالتاً امکان عکس برداری، به طوری که در حین چاپ مهرها

هم واضح باشند، وجود ندارد.)

تعدادی ابیات فارسی و کمی هم عربی (نثر و شعر) در

برگ‌هایی از نسخه به چشم می‌خورد که به خط قطب الدین

۳. این میزان از دقت را در حروف چینی، صفحه‌آرایی و آراستگی کتاب، مرهون تلاش فردی مؤلف هستیم. چرا که از ایشان شنیدیم که خود شخصاً تمام مراحل را انجام داده و فقط مرکز نشر دانشگاهی، کتاب‌را به چاپ رسانده است.

۴. درباره این دست‌نویس رک: نسخه‌ای از تاریخ و صاف به خط مؤلف و مهر کتابخانه ربع رشیدی. عثمان غازی اوزگودنلی، مترجم حجت فخری، نامه بهارستان، دفتر ۷ و ۸ (بهار - زمستان ۱۳۸۲)، صص ۶۳ - ۷۲. میکروفیلمی از این نسخه کهن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. رک: فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، ج ۱، ۱۳۴۸ [ش]، ص ۴۱، به شماره ۲۸۱۹.

۵. گزارش خرید این نسخه را که قبلاً در ملکیت مرحوم تقه‌الاسلام تبریزی بوده در فصلنامه میراث شهاب، سال نهم شماره پیاپی ۳۲، ص ۶ می‌خوانیم. جناب دکتر مرعشی اجازه استفاده از این نسخه را خارج از ضوابط کتابخانه (که کتاب‌های بدون شماره را عرضه نمی‌کنند) مهیا نمودند که از ایشان سپاسگزارم.

۶. فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی. سید احمد حسینی اشکوری، جلد ۳، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ ش، صص ۱۴ - ۱۷.

۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره). سید محمود مرعشی با همکاری گروه فهرست‌نگاران کتابخانه، قم: کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، جلد ۳۰، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۰۳ - ۴۰۴.

۸. آنچه را مرحوم سعید نفیسی در ماهنامه شرق، دوره اول، شماره نهم، شهریور ۱۳۱۰، ص ۵۲۸ پس از رباعی مذکور، با عنوان «وله» به خیام نسبت داده و به دنبال رباعی اول آورده است در نسخه ۱۲۰۳۹ مرعشی مردود است. رباعی «در کوچه عشق هر کسی را ره نیست» با عنوان «لغیره» به دنبال رباعی «سرد دفتر عالم معانی عشق است» و در برگ ۱۸۳ - الف آمده و نیز رباعی «عشق است کی از لاولمت برهاند» با چند فاصله در برگ ۱۸۵ - ب آمده است. پس با استناد به انیس الوحده، به هیچ وجه این دو حتی به خیام منسوب هم نخواهد بود.

۹ و ۱۰. در نسخه مرکز احیاء این عنوان هم نیامده و به جای آن، نشانه‌ای کتابتی به صورت «هی» وجود دارد که در تصویر خوهیلید

۱۱. نسخه مرکز احیاء: بر.

۱۲. نسخه مرکز احیاء: آنک.

۱۳. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، سید محمود مرعشی با همکاری گروه فهرست‌نگاران کتابخانه، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، جلد ۳۲، چاپ اول ۱۳۸۳، ش، صص ۴۰ - ۴۹. این دست‌نویس در طول چندین ماه قمری از سال ۷۵۱ هـ. کتابت شده است. در اوراق نخستین مجموعه، یادداشتی به

شیرازی است.^{۴۵} در این میان دو رباعی از خیام (که به اسم خود او آمده) در منابع کتاب آقای میرافضلی جای می‌گیرد که به دقت نقل می‌کنم. رباعی اول در رباعیات خیام در منابع کهن تازه است ولی رباعی دوم را به جز این منبع، در نزهة المجالس نیز خواهید یافت.

- برگ ۱۲۹ - الف:

عمر خیام

هر جان شریف کو شناسای رهست

داند کی هر آنچه آید از جایگهست

رنجی کی رسند بتو نه از دور مهست

کو نیز ز هر چه می روذ بی گنهست^{۴۶}

وله

گفتم کی دلم ز علم محروم نشد

کم ماند ز اسرار کی مفهوم نشد

اکنون کی همی بنگرم از روی خرد

معلوم شد کی هیچ معلوم نشد^{۴۷}

در پایان متذکر می‌شوم که پرونده رباعی‌های خیام بسته نشده است و کار آقای میرافضلی را باید در نوع خود، البته تا این زمان بهترین دانست و چه بسا با یافته شدن نسخه‌های تازه و نیز بررسی مجموعه‌هایی که مورد بررسی قرار نگرفته است بر شمار این رباعی‌ها افزوده شود.

پانویس‌ها:

۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی. احمد منزوی. مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی. جلد ۴، ۱۳۵۱ [ش]. صص ۲۸۲۹ و ۲۹۹۴. گفتنی است مجموعه‌های مدون کهنی که از رباعی‌های خیام به دست آمده همگی ساختگی و یا بعضاً مخدوش است. رک: یادداشتی از استاد مجتبی مینوی درباره تعدادی از نسخه‌های جعلی. نامه بهارستان، دفتر ۵، ص ۱۹۱ (که قبلاً در راهنمای کتاب، سال ۶ شماره ۲، صص ۲۴۰ - ۲۳۸ هم چاپ شده بود) و نیز رک: رباعیات خیام در منابع کهن. ص ۱۷ و صص ۲۴۷ - ۲۴۸.

۲. از این چهار مورد، دو مورد در هندوستان و عجالتاً غیرقابل دسترسی است. از یک مورد هم به دلیل ارجاع ناقص علی‌دستی هیچ اطلاعی نداریم و یک مورد آن هم در کتابخانه ملی ملک است که مراحل طولانی و خسته‌کننده (و بعضاً ناامیدکننده‌ای) که برای دستیابی به عکس نسخه‌های این کتابخانه باید طی شود مؤلف را از گرفتن عکس این منبع منصرف کرده است. به نظر من هیچ تشویری برای اولیای آن کتابخانه از این بالاتر نباید باشد که نام کتابخانه ایشان در پژوهشی با گستره جهانی، بدین شکل برده شده است. امیدوارم «دستی از غیب برون آید و کاری بکند».

تاریخ ۷۵۵ هـ. نیز به چشم می‌خورد.

۱۴. زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. دکتر محمد امین ریاحی، انتشارات پاژنگ، چاپ اول، ۱۳۶۹، صص ۴۲ - ۴۵؛ نزهة المجالس. جمال خلیل شروانی، تصحیح و تحقیق دکتر محمدامین ریاحی، چاپ دوم با تجدید نظر نهایی، انتشارات علمی، ۱۳۷۵، ص ۵۴.

۱۵. رباعیات خیام در منابع کهن. صص ۱۸۷-۱۸۸.

۱۶. «بررسی نزهة المجالس» سید علی میرافضلی، معارف، سال ۱۴، ش ۱، صص ۹۰-۱۴۷؛ ش ۲، صص ۱۳۵-۱۸۰.

۱۷. مقایسه رباعیات دو مجموعه کهن. سید علی میرافضلی، نشر دانش، سال ۲۰، ش ۴، صص ۳۶-۴۲.

۱۸. درباره این نسخه که به شماره ۱۲۵۹۸ در کتابخانه محفوظ است رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، جلد ۳۱، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۷۵۵-۷۶۰. گفتنی است تشویش در صحافی دو بخش اول، در بخش سوم (بخش رباعیات) دیده نمی‌شود مگر در یک مورد و آن انتقال اوراق ۸۵ تا ۹۲ است به بخش رباعیات.

۱۹. «بررسی نزهة المجالس»، ش ۱، ص ۹۹؛ نزهة المجالس، ص ۱۰۲.

۲۰. معرفی مفصلی را از این جنگ رباعیات کهن سال به صورت مقاله فراهم نمودم که در شماره ۳۸ فصلنامه میراث شهباب به چاپ رسید.

۲۱. رباعیات خیام در منابع کهن، صص ۹۱-۹۵.

۲۲. رباعیات شماره ۳، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲.

۲۳. تنها تفاوت در شماره‌گذاری این جدول نسبت به جدول آقای میرافضلی این است که چون عجلتاً دسترسی به تصویر نسخه کمبریج میسر نشد به چاپ محمد عباسی ارجاع می‌دهم و در این ارجاع شماره صفحه چاپ را او ذکر می‌کنم. و اما مشخصات آن مجموعه رباعیات خیام:

الف - نسخه کمبریج: کلیات آثار پارسی حکیم عمر خیام، محمد عباسی، کتاب‌فروشی بارانی، تهران، ۱۳۳۸ ش. (ذکر شماره صفحه)

ب - نسخه روزن: رباعیات حکیم عمر خیام، با مقدمه راجع به اشعار و شرح حال حکیم از دکتر فریدرخ روزن. برلین (چاپخانه کاوایانی)، ۱۳۰۴ ش. (ذکر شماره رباعی).

ج - نسخه نخجوانی: نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او. اسماعیل یکانی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲. (ذکر شماره رباعی)

د - نسخه بادلیان: ترانه‌های خیام. بکوشش حسین پژمان، شرکت تضامنی علمی، ۱۳۱۸ ش. (ذکر شماره رباعی).

ه - طربخانه: رباعیات خیام (طربخانه). یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی، به تصحیح استاد علامه جلال‌الدین همایی، نشر

هما، چاپ دوم، ۱۳۶۷، (ذکر شماره رباعی)

۲۴. این رباعی مکرراً در این جنگ، در برگ ۲۲۲ - الف و بدون نام‌سراینده آمده است.

۲۵. نسخه شماره ۱۲۵۹۸ مرعشی، برگ ۸۳-الف.

۲۶. همان، برگ ۱۰۷-ب.

۲۷. همان، برگ ۱۰۸-الف.

۲۸. همان، برگ ۱۰۸-ب.

۲۹. همان، برگ ۱۰۹-الف.

۳۰. همان، برگ ۱۰۹-ب.

۳۱. قافیه‌های این رباعی ظاهراً مشکل دارد. در منابع ۵ گانه رباعیات خیام چنین رباعی‌ای نیافتیم.

۳۲. همان، برگ ۱۱۰-الف

۳۳. همان، برگ ۱۱۰-ب

۳۴. همان، برگ ۱۱۱-الف.

۳۵. این رباعی در نزهة المجالس، شماره ۹۲ به نام «سید اشرف» ثبت شده است. در خلاصه الاشعار فی الرباعیات ابوالمجد تبریزی نیز به نام «سید اشرف» (همان سید حسن غزنوی) آمده (سقیفة تبریز، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۵۹۴). البته رباعی مورد بحث از جمله رباعیات سرگردان است. درباره کسانی که این رباعی به آن‌ها منسوب است، رک: نزهة المجالس، ص ۱۵۳، (شماره ۲).

۳۶. همان، برگ ۱۱۱-ب.

۳۷. همان، برگ ۱۱۲-الف.

۳۸. همان، برگ ۱۱۲-ب.

۳۹. همان، برگ ۱۱۷-ب.

۴۰. همان، برگ ۱۱۸-الف.

۴۱. همان، برگ ۲۲۶-الف.

۴۲. همان، برگ ۲۳۱-الف.

۴۳. همان، برگ ۲۳۱-ب.

۴۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، جلد ۳۲، چاپ اول، ۱۳۸۳.

در این فهرست علاوه بر اطلاعات ظاهری دست‌نویس و مشخصات کتاب‌شناسی رسالات، عکس صفحه‌هایی از نسخه را در پایان می‌بینیم. به جز این منبع، بر روی جلد شماره ۳۵-۳۶ از فصلنامه میراث شهباب (بهار و تابستان ۱۳۸۳) - که نشریه کتابخانه بزرگ مرعشی است - تصویر دو صفحه از این نسخه آمده است.

۴۵. مدتی پیش، این اشعار را به دقت بررسی و مأخذیابی کردم و مقاله‌ای شکل گرفت که به امید خدا در جلد دوم (دفتر دوم) نسخه پژوهشی جناب آقای حافظیان به چاپ خواهد رسید.

۴۶. طربخانه، ش ۳۴۱: نخجوانی، ش ۱۳۳.

۴۷. طربخانه، ش ۵۴؛ روزن، ش ۱۴۶؛ نخجوانی، ش ۲۷۲.